

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز

3/1/2009

جلوه گری خاینانه علی احمد جلالی

علی احمد جلالی یکی از ارتجاعی ترین عناصر ضد ملی و عضو سابق کابینه حکومت مستعمراتی کابل بتاريخ اول مارچ ۲۰۰۹، مضمونی را تحت عنوان "چطور در افغانستان برنده شد" در اخبار واشنگتن تایمز به نشر سپرد. با تحریر این مضمون، جلالی میخواهد که خود را بیشتر به اداره اومابا بشناساند و وانمود سازد که او نسبت به سایر سرسپردگان استعمار، سرسپرده تر است. چون انتخابات جعلی ریاست جمهوری نظام مزدور افغانستان نزدیک شده است، جلالی هم با استفاده ازین فرصت به جلوه گری و دلربائی های سیاسی آغاز کرده است. جلالی درین نوشته خود ارتجاعی ترین نظرات را ارائه داده است. در حقیقت، نظرات جلالی ابتکاری نبوده و تازگی ندارد، بلکه مجموع عقاید مختلفی است که قبلاً از جانب عناصر جنگ طلب امریکائی شنیده شده و جلالی آنرا در قالب کلمات متفاوت در آورده است.

جلالی با بی حیائی می نویسد که "اوباما و اداره اش صرف زمانی موفق خواهد شد که توجه خود را بر افغانها متمرکز ساخته تا یک حکومت **مشروع** و پایدار را بنا نمایند که بتواند قلمرو خود را زیر اداره گرفته و اعتماد مردم خود را بدست آورد." خوب جناب جلالی: آیا شما به معنی و مفهوم "مشروع" و "مشروعیت" آشنائی دارید؟ فکر میکنم که نه. پس به شما پیشنهاد میکنم که در قدم اول یک کتاب در مورد مبانی علم سیاست مطالعه نموده تا به معنی و مفهوم "مشروعیت" پی برده که نظام مشروع و غیر مشروع را از هم فرق کرده بتوانید. این بحث زیاد به مشاجره ضرورت ندارد که چه نوع حکومت و نظام میتواند مشروع تلقی گردد. صرف نظر از پیشنهادم، نمیخواهم که درین جا به شما درس سیاست بدهم چون شما خود "پروفیسور" استید و تالیفات زیادی از خود بجا گذاشته اید. لکن خدمت هموطنان یاد آور میشوم که مشروعیت یک نظام در مرحله نخست به استقلال و آزادی یک کشور منوط میگردد. موجودیت قوای اشغالگر در یک کشور به هر بهانه ای که باشد قانونیت نظام آن کشور را از ریشه منهدم میکند و از آن یک نظام غلام به اجانب بار میاورد. به یاد هموطنان خواهد بود که ببرک کارمل و یارانش هم مانند جلالی در ادعا بر مشروعیت نظام دست نشانده خود زوزه می کشیدند و قوای

متجاوز شوروی را ناجی ملت افغان میدانستند. جلالی عیناً به جای پای ببرک قدم میگذارد تا اگر بتواند مورد توجه او باما قرار گیرد و مانند بدبخت کرزی روزی رئیس جمهور مزدور کابل مقرر شود و بر مردم نگون بخت افغان چند صباحی غیر "مشروع" حکمرانی نماید و برای رضایت بادران بیشتر افغان بکشد. در مرحله بعدی مشروعیت يك حکومت متکی بر اراده آزاد مردم آن جامعه است. این حالت زمانی تحقق می یابد که کشور از قید هر گونه تسلط اجنبی مبرا باشد تا مردمش بتواند آزادانه برای گزینش رهبرش رای دهند. انتخابات جعلی که ما شاهد آن در افغانستان بوده ایم که در نتیجه حکومت و شورای مزدور و دست نشانده را به مردم ما هدیه داد هرگز نتوانست مشروعیت نظام دست نشانده کابل را تثبیت کند. انتخابات جعلی آینده که احتمالاً شخص علی احمد جلالی هم از زمره کاندیدان ریاست جمهوری نظام مزدور کابل خواهد بود، به عین سرنوشت مصیبت بار مواجه خواهد شد. خلاصه اینکه حاکمیت خارجی و داخلی دو شرط عمده يك نظام مشروع محسوب میگردد.

جلالی در جای دیگر می نویسد که "کلیه پیشرفت بشمول شکست طالبان، القاعده و گروه های همفکر منوط میشود به تاسیس يك حکومت افغانی مناسب". منظور جلالی را از "حکومت افغانی مناسب" نمیدانم. آیا جلالی میخواهد بگوید که صرف تعویض رئیس جمهور کافی است که بتواند يك "حکومت افغانی مناسب" را تاسیس نمود و یا اینکه میخواهد نظام از ریشه تغییر کند و يك نظامی واقعی مردمی روی صحنه آید؟ از روش ارتجاعی و روحیه مضمون وی معلوم میشود که جلالی حامی طرز دید اول است بدین معنی که به اداره او باما چنین مفکوره میدهد که خودش یعنی جلالی میتواند يك "حکومت افغانی مناسب" را بوجود آورد. بایست خدمت هم میهنان یادآور شوم که مشکل افغانستان کرزی، جلالی، عمر، ربانی ببرک و نجیب نبود و نیست. اینها گوتک های بی ارزشی بوده اند که وقتاً فوقتاً از سوی اجانب بدور انداخته میشوند و شخص دیگری را بجای شخص اولی قرار میدهند. ما این جریان تاریخی را در طول ده سال اشغال افغانستان توسط قوای شوروی دیدیم. یکی از موانع عمده در افغانستان تجاوزات پی در پی اجانب است که با مقاومت بینظیر مردم ما مواجه شده اند. طالبان و القاعده جز طرح های استعماری اند که به موجودیت قوای اشغالی تداوم می بخشند. یقین دارم که جلالی میدانند که استعمار هم آرزو ندارد که این دو گروه بزودی ناپدید گردند زیرا در آنصورت از جلالی و همفکران جلالی که حمایت خواهد کرد. میهن دوستان فرقی بین اشخاص فوق الذکر احساس نمیکنند و تفاوتی هم بین طالبان و جبهه ضد ملی و شورای نظار نمی بینند. تا زمانیکه تجاوز اجانب ادامه یابد، مقاومت ملی و مردمی بر ضد نیرو های متجاوز و دست نشاندهگان شان هم شدت خواهد یافت. تقرر جلالی از سوی واشنگتن بعوض کرزی، راه علاج درد های مردم ما نیست.

طوریکه پرچمیان و خلقیان شرف باخته حیات و ممانت خود را به موجودیت قوای سوسیال امپریالیسم شوروی مربوط میدانستند، جلالی وجدان باخته هم دموکراسی عملی را يك شرط قبلی موفقیت امریکا در افغانستان و آینده سیاسی آن میدانند و اظهار میدارد که این حالت تعهد طویل المدت را ایجاب میکند. کی میتواند بین علی جلالی و ببرک کارمل فرق بگذارد؟

علی احمد جلالی در جای دیگر با تمام بیشرمی و بی وجدانی بر مردم افغانستان تهمت زده و می نگارد که "افغانها از افزایش و حضور قوای خارجی استقبال میکنند به شرط اینکه حیات شان را بهبود بخشند." آیا جلالی دلیل و یا دلایل بیرون انداختن قوای شوروی را افغانستان میدانند؟ وضع اقتصادی آنوقت افغانستان به مراتب بهتر از وضع کنونی بود، اما مردم به بردگی تن دردادند. یکی از خصوصیات جلالی، بی مسلك بودن وی است که هیچ زمانی تابع يك روش و اصول

انسانی نیست. حال میدانیم که چرا افغانستان به این آسانی سقوط کرد و در کام نیستی رفت. وقتیکه يك صاحب منصب اردو اینقدر خاین و نمک حرام برای کشورش باشد، چرا از خلیان و پرچمیان و طالبان و ستمیان و شورای نظاریان گله کرد؟ عوض اینکه جلالی به اراده مردم خود متکی شود و برای آزادی وطنش از قید استعمار مجاهدت کند، با کمال وقاحت از اجانب تقاضا میکند که بیشتر به افغانستان قوا بفرستند و افغانها را بیشتر بکشند تا وجدان باخته ای مانند جلالی چند روزی منحصیث رئیس جمهور نظام دست نشانده در راس حکومت مزدور کابل قرار گیرد.

این صحبت در آینده ادامه خواهد یافت.